

**۱۲** دو نیمه در بهشت

## نجات در آخرین لحظه: هالیوود یا چینه چیتا؟!

امیر پوریا

۱- امروز و فردا در فاصله بین یک هشتم و یک چهارم نهایی اولین وقفه/ استراحت جام را داریم. می‌توانیم بالاخره به کار و خریدی که حتماً وقتش غروب است، برسیم و نگران ساعت و دیر به خانه رسیدن و از دست دادن یک ربع اول بازی ساعت ۱۸/۳۰ و اینها نباشیم. همه اش را که بشمرید، ده روز به فینال مانده. جام ۲۰۰۶ هم تمام می‌شود و بعد تا آفریقای ۲۰۱۰ باید فقط به عکس‌ها و تکه فیلم‌ها و خاطره‌هایش دل خوش کنیم.
۲- بچه که بودیم، هیجان و جذایت و «درام» دوئل وار جاری در ضربات پنائی باعث می‌شد که گاهی به تساوی بازی در وقت اضافه و کشیدنش به پنائی، علاقه نشان دهیم. نسل ما که اولین خاطره جدی اش از ضربات پناائی را در نیمه‌نهایی جام ۱۹۸۲ اسپانیا بین فرانسه و آلمان غربی تجربه کرد، باید هم به پناائی‌های آخر مسابقات حذفی علاقه‌مند می‌شد. این مسابقه‌ای معمولی نبود. بازی بزرگی بود با هیجانی ویژه و استثنایی که در وقت قانونی ۱-۱ به پایان رسید و در وقت اضافی اول، فرانسه ۳-۳ از آلمان فدرال آن موقع جلو افتاد و با رهبری روحی و تاکتیکی رومینگه مصمم و بااراده، ژرمن‌ها هر دو گل را در نیمه دوم وقت اضافی جبران کردند و در پناائی هم به یمن آمادگی شوماخر معروف بردند و به فینال رفتند. هر آدم اهل فوتبال که تا پیش از نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ به دنیا آمده و خیلی زود پای فوتبال نشسته باشد، این بازی را دست کم با بعضی تصویرهای گوشه و کنارش می‌خاطر می‌آورد. مثلاً با آن لحظه خطای شوماخر بر روی فوروارد فرانسه (پاتریک باتیستون بود یا دومینیچ روشه تو؟) که به شکستن فک و خونریزی بینی طرف منجر شد و اگر حالا بود، گلر را با دو سه کارت قرمز اخراج می‌کردند؛ ولی آن موقع شوماخر خودش جلوی پناائی ایستاد. با مثلاً با این نکته عجیب و تاریخی که لباس دروازه‌بان‌های دو تیم با ترکیبی از چند رنگ، درست عین هم بود و گزارشگران آن موقع تلویزیون هم هنوز درگیر شناختن اسم و قیافه بازیکنان بودند و امکان نداشت اطلاعاتی درباره این قضیه لباس‌های مشابه داشته باشند. اما بعدها که بزرگ‌تری شدیم، دیدیم و تجربه کردیم و فهمیدیم که ضربات پناائی تا چه حد بی‌رحمانه و غیرقابل انکاست، هیچ چیز را ثابت نمی‌کند و به شدت به شانس و لحظه و بکیر و نگیر بستگی دارد. البته و در هر حال، این ضربه‌ها فرصتی در اختیار دو تیم می‌گذازد و از طرفه قدیم با گل طلایی (شما بخواهید «مرگ ناگهانی») چند سال پیش، بسیار بهتر و انسانی‌تر است. ولی وقتی باخت‌های غمبار ایتالیا در نیمه‌نهایی جام ۹۰ جلوی آرژانتین و در فینال جام ۹۴ جلوی برزیل را به یاد می‌آورم یا خاطره‌های تلخ و مکرری از حذف و ناکامی انگلستان در جام جهانی و جام ملت‌های اروپا در ۱۵-۱۰ سال اخیر را مرور می‌کنم، می‌بینم همین پنائی‌های آخر مسابقه هم چه هیجان‌های لذت‌بخشی برپامن ساخته و هم چه احساس «فت باختن/ رنج‌آوری به ما داده. باید همین حسرت‌ها است که دیگر دوست ندارم هیچ بازی مهمی به پناائی بکشد، بردی که اکرمنگین و کم‌قدر کند و باخت دیگری را دردناک‌تر از آن که اگر در خود بازی رقم می‌خورد.

۳- اینها همه در حالی است که بازی سوئیس و اوکراین پرشپ یک استثنا بود و می‌شد با کشیدنش به پناائی کنار آمد. هیچ کدام از دو تیم طرفدار جدی و اساسی در ایران نداشتند. (البته در بین سرشناس‌ها، جز ناصر تقوایی که از پیش از جام، سوئیس را خوب شناخته بود و بالاخره هم حرفش درست درآمد و شاگردان کوبی کان بدون گل‌خورده حذف شدند.) در واقع برای خیلی‌هایمان، مهم‌ترین وجه بازی طولانی و خسته‌کننده‌شان این بود که حریف ایتالیا در مرحله بعد مشخص شود. سوئیس‌ها به روانی و شادای روزهای مرحله اول‌شان نبودند و یاران شوا هم انگار یادشان رفته بود که بازی حذفی است و باید خطرناک و مؤثر حمله کنند. برای همین دو تیم متوسط ولی دوست‌داشتنی، مقداری هیجان به تماشاگران بازی‌شان بدهکار بودند و ضربات پناائی فرصت و فضای مناسبی برای جبران فراهم می‌کرد. اما عجیب بود که سوئیس از جلو افتادنش با همان ضربه اول و مهار شده شوچنکو حتی یک بار هم استفاده نکرد و همه هیجان احتمالی بعدی را در همان سه ضربه گل نشده اول تمام و تخریب کرد و رفت و خداحافظ. این از آن ضربات پناائی نبود که برای بچه‌های نوجوان این دوره، نیمه‌ساز و به هیجان‌کننده ضربات پناائی، «علاقه‌مندشان کند.

۴- ولی اوج هیجان پناائی در بازی‌های یک چهارم برای من و خیلی از دوستان در بازی‌ای رقم خورد که به وقت اضافه و ضربات پناائی نکشید بلکه در شرایطی که از هر اکشن یا تریلر یا فیلم ترسناک هالیوودی هم بیشتر به فرمول «نجات در آخرین لحظه» متکی بود، با ضربه پناائی دقیقه ۹۳ فرانچسکو توتی به استرالیای دودنه و بدقلق شکل گرفت. «تیم گاس هیدینک» که درست در همین مرحله جام قبل با عنوان «کره جنوبی» به حذف مرگبار آتئوری بعد نائل شده بود و این بار در لباس «استرالیا» داشت همان کاپوس را برای لا‌جوردی پوشان می‌ساخت، با اخراج ناردست ماتراتزی به بره امیدوارتر شد و با پناائی ناردست دقیقه آخر امکان برد را از دست داد. «این به آن در» البته در قوانین داوری، رقتار تحمل‌ناپذیری است؛ ولی ایتالیا که با یک بار کمتر و می‌توان بدنی تحلیل رفته ناشی از آن همه «به در بسته زدن» در طول بازی، پدید بود در وقت اضافی هم بتواند دوام بیاورد و دروازه‌اش فرو نریزد، فقط همان یک لحظه و یک پناائی را داشت و توتی بزرگ و مطمئن، هدرش نداد. این هم مثل یکی از همان فوتبال بازی کردن‌های رویایی بچگی بود که سوت پایانش با زدن یک ضربه پناائی به صدا درمی‌آمد (هیچ نمونه مشابهی در فوتبال حرفه‌ای سراخ دارید؟) و تصویری از رنج‌ها و سکنه‌های قطعی در صورت به ثمر نرسیدن این ضربه وجود نداشت. آن واکنش توتی بعد از گل شدن توتی با سکیدن انگشت شست‌اش با اینکه خیلی عجیب و غیرقابل فهم به نظر می‌آمد، طبیعی و قابل درک و ملموس هم بود. این لحظه‌ای بود که لبی باید قدش را بداند و جمعه‌شب در دومین بازی مرحله یک چهارم بین تیشم و اوکراین نگذارد به این کاپوس دم آخر چهار شوم.

اگر کره جنوبی را نادیده بگیریم، نتایج حاصله آسیا در دور پایانی جام‌جهانی فوتبال ۲۰۰۶ به قدری ید بود

که حتی محمد بن همام رئیس کنفدراسیون فوتبال این قاره نیز قبول و اعتراف کرد که دیگر نمی‌توان چیزی را از فیفا طلب کرد و حتی حفظ سهمیه فعلی کهن در دور پایانی جام‌های جهانی (۴ تیم) نیز به غایت سخت خواهد بود.

کره جنوبی تنها تیم آسیایی بود که شانس حقیقی برای راهپایی به دور دوم جام‌جهانی امسال داشت و کافی بود در مسابقه آخرش که در برابر سوئیس بود، به پیروزی می‌رسید و یا فرانسه را در مقابل توگو پیروز نمی‌دید و هسینم برای راهپایی‌اش به جمع ۱۶ تیم حاضر شکست ۲-۰ در برابر سوئیس‌ها و پیروزی فرانسه بر رقیب آفریقایی‌اش، سوئیس و فرانسه را راهی مرحله بعدی کرد و تیم دیک ادووکات را کنار دست سایر آسیایی‌های حذف شده قرار داد.

ناراحتی ادووکات بابت عدم صعود کره‌ای‌ها به مرحله حذفی جام‌جهانی به حد و شکلی بود که بلافاصله از رهبری تیم کره استعفا داد و پیم وربیک دستیار و هموطن او به عنوان جانشین موقتی وی برگزیده شد، ولی سایر آسیایی‌ها آرزو داشتند و دارند که ای کاش سرنوشتی مثل کره در این جام می‌داشتند. به واقع اگر کره از ۳ بازی‌اش ۴ پوئن اندوخت سهم ایران، عربستان و ژاپن فقط یک امتیاز در سه دیدارشان و حذف قاطعانه در مرحله نخست بود.

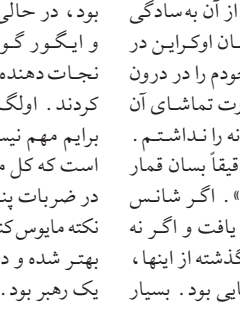
■ **بدون توجیه**

عربستان در دیدار اولش که در برابر تونس بود بد کار نکرد و حتی تا وقت تلف شده صاحب برتری ۲-۱ بود، اما با گلی که در این مقطع از راضی جدی مهاجم تونس خورده، برد را با تساوی ۲-۲ عوض کرد. این بهترین نتیجه‌ای بود که عربستان در این جام گرفت و در دو دیدار بعدی‌اش ۴-۱ به اوکراین و ۱-۰ به اسپانیا باخت. برخی معتقد بودند شکست سبک در برابر تیم لوئیس آراگونس چیزی همانند یک پیروزی بوده‌است اما این را هم نمی‌شد نادیده گرفت که خورده ۴ گل از اوکراینی که خود در دیدار قبلی‌اش همین تعداد گل از اسپانیا خورده بود، فقط یک شکست سنگین برای عربستان بوده و هیچ توجیه دیگری نداشته است. این چنین بود که عربستان در گروه هشتم به رتبه آخر رسید و مثل دو جام قبلی (و برخلاف جام ۱۹۹۴) به مرحله دوم راه نیافت.

ژاپن هم در گروه ششم متحمل دو باخت شد و فقط در برابر کرواسی شکست نخورد، اما در آن روز هم کواگوچی دروازه‌بان این کشور یک ضربه پناائی کروات‌ها را مهار کرد و ژاپنی‌ها خوش اقبالی‌های دیگری هم داشتند. ژاپن در بازی با برزیل گل اول را توسط تامادا با زبیاپی هر چه تمام‌تر زد اما بعداً ۴ گل خورد و در شرایطی ۱-۳ تسلیم استرالیا شد که در آن دیدار نیز ابتدا با گل ناکامورا ۱-۰ از تیم گاس هیدینک پیش افتاده و سپس در دقیقه پایانی ۳ بار دروازه‌اش فرو ریخته‌بود. با این حساب ژاپن هم در گروه ششم آخر شد. ایران در گروه چهارم ۳-۱ به مکزیک و ۲-۰ به پرتغال باخت و موقعی که با آنگولا ۱-۱ مساوی کرد و در گروهش آخر شد، حذف شدنش از قبل قطعی شده بود و اگر کره و ژاپن این دلخوشی را داشتند که لاقال زیبا و نهجایی بازی کرده‌اند، ایران به جز نیمه اول دیدار با مکزیک این دلخوشی و دلگرمی را هم نداشت. با این حساب کره جنوبی تنها تیمی بود که اعتبار آسیا را در این دوره حفظ کرد، اما وقتی این تیم در دوره قبلی جام چهارم شده بود، نمایش این دوره‌اش نمی‌تواند پیروزی تلقی شود. تنها راه پیروز شمردن آسیا، آسیایی تلقی کردن استرالیا شد، این کشور از ابتدای سال ۲۰۰۶ عضو «AFC» شده، اما چون به نمایندگی اقیانوسیه و پس از غلبه بر اروگوئه در مرحله پلی‌آف راهی دور پایانی جام جهانی ۲۰۰۶ شده بود، برای آخرین بار عنوان نماینده این قاره را یدک

### بسان «رولت روسی»

پیروزی ارزشمند شاگردان اولگ بلوخین در برابر سوئیس سرخست، و حضور در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی فوتبال کافی است که این کشور به گونه‌ای دیوانه‌وار به جشن و شادمانی بپردازد. با اینکه دو تیم در طول ۱۲۰ دقیقه در یک نمایش سرد و کسالت‌بار، به ضعیفات پنائی‌ها دعوت شدند، اما هوشیاری و حرفه‌ای‌گری اوکراینی‌ها در ضربات پنائی نکته‌ای است که نباید از آن به‌سادگی گذر کرد. اولگ بلوخین مرد شادمان اوکراین در خصوص این مسابقه می‌گوید: «خودم را در درون رخت‌کن حبس کرده بودم. واقعاً قدرت تماشا‌ی آن لحظات سرنوشت‌ساز و بی‌رحمانه را نداشتم. می‌دانید؟ فوتبال در این لحظات نیز دقیقاً بسان قمار است. یک قمار مثل «رولت روسی». اگر شانس داشته باشی، از مرگ نجات خواهی یافت و اگر نه که باید مغرت را متلاشی شده بینی. گذشته از اینها، حقیقتاً مسابقه سخت و طاقت فرسایی بود. بسیار



بود، در حالی که ارمه مایلووسکی، سرگئی یرروف و ایگور گوسف سه پناائی پیروزی‌بخش و نجات‌دهنده کشورشان را وارد دروازه «زوبربولر» کردند. اولگ بلوخین در این باره می‌گوید: «واقعاً

برایم مهم نیست که چه کسی گل می‌زند. مهم این است که کل مجموعه موفق شوند. گل نزد شوچنکو در ضربات پنائی برای من که تیمم پیروز شده چندان

نکته مایوس‌کننده‌ای قلمداد نمی‌شود. او بازی به بازی بهتر شده و در بازی با سوئیس شوق‌ناک‌تری فراتر از

یک رهبر بود.

سهمیه آسیا کم می‌شود

# حتی کره‌ای‌ها هم ناراضی‌اند

وصال روحانی



می‌کشید و در نتیجه نمی‌توان صعود استرالیا را به مرحله حذفی لزوماً و در حال حاضر و مستقیماً به حساب آسیا گذاشت. هر چه بود استرالیا غروب روز دوشنبه یک بازی پایاپای و حتی برتر را با ضرر به پناائی بسیار دیرهنگامی که هنوز بر سر صحت آن بحث و جدل ادامه دارد با نتیجه ۱-۰ به ایتالیا واگذار کرد و در شرایطی حذف شد که سزاوری ادامه حضور در جام را واقعاً داشت.

■ **بازسازی سریع**

با این وجود جای تعجب دارد که تیم کره جنوبی به محض بازگشت به ستول بنا را بر تغییر و بازسازی فوتبال ملی خود گذاشته و اقداماتش را در این زمینه از همین امروز شروع کرده است. طی ۵ دوره اخیر جام جهانی کره جنوبی همیشه در میدان حاضر بوده و ولی صعود تا مرحله نیمه‌نهایی جام قبلی و در نهایت چهارم شدن در آن جام باعث شده بود که انتظارها و توقعات نسبت به این تیم برای جام فعلی به حد غیرقابل محاسبه و غیرمصفانه‌ای برسد و در نتیجه حذف آبرومندانه این تیم در جام ۲۰۰۶ نیز یک نوع شکست و عقب‌گرد محسوب شود. خیلی‌ها بر این باور بودند که صعود عقلمندانه کره در جام ۲۰۰۲ در درجه اول محصول میزبانی مشترک جام و برخوردار شدن از امتیازات شگرف آن بوده‌است و نتایج حاصله تیم ادووکات و حذف شدن در پایان دیدارهای گروه هفتم جام به گونه‌ای تاییدی بر این طرز تصور بود، اما برخی کارشناسان داخلی در ستول معتقدند نتایج سال ۲۰۰۲ در یک فضای استثنایی و با جرم بندی بسیاری از امتیازات و مسائل مختلف حاصل آمده‌است که تکرار آن در عمل غیرممکن می‌نماید. از طرف دیگر از آغاز اطمینانی در دست نبود که ادووکات بتواند کار عظیم هیدینک را تکرار کند و شخصیتی به قوت و بزرگی او داشته باشد. با این حال نباید از حق گذشت که حضور خوبی، لاقال در دو دیدار اولش در خاک آلمان داشت. تیم ادووکات هرچند گل اول را از توگو خورد اما با دو شوت عالی از پشت ۱۸ قدم که اولی یک ضربه آزاد بود و دومی ضربه‌ای بسیار خوب از «آ یونگ هوان» (یکی از ستاره‌های جام ۲۰۰۲) شکست ۱-۰ خود را به برد ۲-۱ بدل کرد. بهتر و پرمروصل‌تر از آن تساوی ۱-۱ با فرانسه بود که هرچند با یک گل در ۱۰ دقیقه پایانی به‌دست آمد اما نشان داد که قوام و ساختار چهار سال پیش خود را تا حدی حفظ کرده و همچنان پرخروش است. ادووکات پس از اتمام کار کره‌ای‌ها در جام ۲۰۰۲ و فقط یک روز قبل از استعفايش خطاب به آنها گفت: «ناامید نباشید. شما در آلمان هم خوب کار کردید و باید بابت داشتن چنین تیمی به خود بالبالد. یادتان باشد که ما این بار در خارج از خاک کشورمان ۴ امتیاز در داخل گروه خود کسب کردیم که شاید باارزش‌تر از دستاورد ما در

وربیک همچنین می‌گوید: «جام جهانی با جام ملت‌های آسیا و هر رقابت دیگری زمین تا آسمان فرق دارد، به بازی‌های ما در آلمان نگاه کنید. ما در نیمه اول هر سه مسابقه خود در آنجا مشکل داشتیم و نمی‌توانستیم ریتم لازم را پیدا کنیم و این لایذ دلایلی داشت. سرعت زیاد بازی‌ها در نیمه اول ما را خلع سلاح می‌کرد و ما فقط با صحبت‌های خود در بین دو نیمه می‌توانستیم مشکل را تا حدی حل کنیم. بازیکنان ما در اوایل مسابقات برای آن همه تغییر و فشار و سرعت مهیا نبودند و فقط پس از گذشت مدتی از رقابت‌ها برای آن آماده شدند ولی باخت نه‌چندان مصفانه به سوئیس بیداری دیرهنگام ما را متوقف و نیمه‌کاره گذاشت. »

■ **فاوت‌ها**

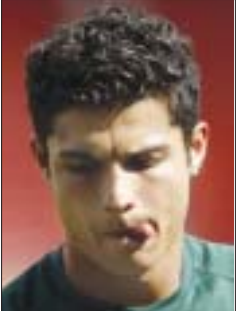
آمار و ارقام می‌گویند از ۱۱ بازیکن ثابت انتخابی ادووکات برای آوردگاه آلمان هفت نفر در «K-Leauge» بازی می‌کنند، حال آنکه در ترکیب ثابت سوئیس ۹ نفر در لیگ‌های خارجی (آلمان، انگلیس، ایتالیا و فرانسه) روزگار می‌گذرانند. برخی از رسانه‌های کره معتقدند که ادووکات، وربیک و قطعی در قیاس با تیم مربیگری سال ۲۰۰۲ و بهتر بگویم در مقام مقایسه با دوره کار

هیدینک وقت بسیار کمتری برای تدارک و تقویت تیم خود داشته‌اند. در حالی که هیدینک چیزی حدود چهار تا پنج ماه وقت برای تجهیز و آماده‌سازی کره در سال ۲۰۰۲ داشت کل وقت اختصاص یافته به ادووکات و گروهش در سال ۲۰۰۶ برابر با پنج هفته بود. وربیک ۵۰ساله و یارانش هر مشکلی در جایگزینی ادووکات ۵۵۹ساله داشته باشند، قطعاً در زمینه پرسنل انسانی و بازیکنان مورد نیاز کمبودی ندارند. یکی از آنها پارک جی سونگ است که پس از درخشش در آیندهوون یک سال است که به عضویت منچستر یونایتد درآمده و آن جام هم فروغ لازم را داشته‌است. او چند روز پس از اتمام حضور کره‌ای‌ها در جام ۲۰۰۶ و در حالی که ادووکات با عقد قراردادی ۲/۵ ساله رهبری تیم زینت سن پترزبورگ روسیه را به عهده گرفته است، می‌گوید: «بحث مربیگری در تیم ملی کره جنوبی مثل هر تیم دیگری در سطح جهان بسیار مهم و حیاتی است و باید به آن پرداخت، اما من فکر می‌کنم که ما باید به برخی مسائل مهم دیگر نیز توجه لازم را مبذول داریم. یکی از آنها نداشتن اعتماد به نفس لازم در زمان تقابل با تیم‌های بزرگ در تضاد با وضعیت گذشته‌مان است. اگر چهار سال پیش با آن همه شور و اطمینان و اعتماد به میدان آدمید و آثار مثبت عظیم آن را هم دیدیم، این بار در آلمان قدری از این بابت می‌لنگیدیم. شما به ما نگاه و گفتا کنید، ما به دلیل بازی در لیگ‌های اروپایی هر هفته صابون ستیز با پهرین بازیکنان جهان به تن مان می‌خورد، اما برای آن دسته از بازیگران ما که فقط در لیگ داخلی بازی می‌کنند، چنین نیست. تجربه بین‌المللی آنها کم است و وقتی در دیدارهای ملی کنار ما قرار می‌گیرند، آشکارا کم می‌آورند. برای آنها بازی در جام‌های قاره‌ای کافی نیست و باید بیش از پیش در برابر رقبای اروپایی بااستند. »

■ **استرالیا: عامل نجات؟**

حسن دیگر فوتبال کره جنوبی داشتن ترکیبی جوان و آینده‌دار است که نه تنها می‌توانند در کوتاه‌مدت در جام ملت‌های آسیا موثر واقع شوند بلکه برای جام جهانی ۲۰۱۰ نیز می‌توان روی آنها حساب کرد. بد نیست بداند از ۲۳ بازیکن اعزامی کره به آلمان ۱۱ نفر زیر ۲۵ سال بودند. آیا ایران، ژاپن و عربستان می‌توانند به همین آمار و میزان و اعداد پایاند و به چنین شاخصه‌هایی دلخوش باشند؟ شاید هم ورود استرالیا به صحنه و حضور قوی‌تر این کشور باعث عکس و حفظ اعتبار برای فوتبال آسیا شود وگرنه پیشیندا و اقدام برای کم کردن سهمیه این قاره در جام‌های جهانی بعدی یک موضوع کوچک و ساده نخواهد بود که بتوان با آن به آسانی برخورد کرد و تبعاتی جدی را بر اثر مرتب نبود.

### تکل زشت



چنین خشونت‌هایی بود. کاملاً واضح بود که خطای خصمانه و خشن بولاهورز تنها به قصد مجروح کردن من صورت گرفت. حقیقتاً یک حرکت و تکل کشتیاف و بسه دور از جوانمردی. . . » در حالی که با خروج رونالدو، بال چپ بنفشیا یعنی سیمائو سابروسا نمایش قابل توجهی از خود نشان داد اما غیرممکن بود و شاید حضور طولانی‌ترم سبب آسیب دیدگی جدی‌تر من می‌شد. اکنون در اختیار پزشک تیم هستم. امیدوارم روند بهبودی من جهانی قضاوت نخواهد کرد. کنترل مسابقه آشکارا از دست خارج شده بود و او یکی از عاملان اصلی بروز

چهره

**نجات یافتگان**



وین رونئ فوق‌ستاره شیرهای انگلستان، در بازی برابر اکوادور دو سیمای متفاوت داشت. در نیمه اول، گویا تحت‌تاثیر گرمای مهلک و کشنده اشتوگنارت قرار گرفت و نتوانست عملکرد

چشمگیری از خود ارائه دهد. ولی در وقت دوم مسابقه، پسر مرسی‌ساید به‌عنوان یک مهاجم تنها، در صحنه‌های بسیاری عملکرد قابل توجهی از خود به نمایش گذاشت تا موجبات امیدواری اسون گوران اریکسون را فراهم کرده باشد. اما وین رونئ معتقد است، برای بازیکنی که دو ماه تمام در هیچ مسابقه‌ای حاضر نبوده، بسیار سخت است که با بازگشت‌اش به همان فرم ایده‌آل گذشته بازگردد. من نیز از چنین قانونی مستثنی نیستم. سانتر فوروارد نتومنند انگلستان می‌گوید: «بدنظرم بازی کردن به عنوان یک مهاجم تنها در خط حمله، شرایط خاص خودش را دارد. به دلیل که مهاجم در چنین وضعیتی، یاری در کنار خود نمی‌بیند و تمام سنگینی مسئولیت گل زدن روی دوش اوست. اما در بازی با اکوادور خوشبختانه در چنین لحظه‌ای، هافبک‌های تیم از من حمایت مطلوبی نشان دادند و همین سبب شد تا در نیمه دوم با آرامش بیشتر بازی کنم. در برابر اکوادور، عقیده دارم عملکرد قابل قبولی ارائه کردیم و در مجموع سزاوار این نتیجه بودیم. با مصدومیت مایکل اوون و نیز عدم ثبات کافی در حرکات و نمایش بازی پیتز کراوج، حال این وین رونئ است که باید جور خط حمله تیمش را به تنهایی بکشد. در انتها می‌گوید: «نکته مهم این است که وقتی فوتبالیستی ۹۰ دقیقه کامل در ترکیب قرار می‌گیرد، اعتماد به نفس‌اش افزایش یافته و متعاقب آن عملکرد مطلوب‌تری از خود ارائه می‌دهد. اگر توجه کرده باشید، در یک ساعت نخست مسابقه، چندان برای مجموعه آرنجش نبودم، اما در ۳۰ دقیقه پایانی بازی، کم‌کم راه افتادم و در چندین موقعیت حضوری چشمگیر و پررنگ داشتم. »

#### خدا حافظ Aussies

استرالیا سرانجامی ترازیک داشت. این تیم که کم‌کم خود را برای حضوری موثرتر در وقت‌های اضافه آماده می‌کرد و در حالی که یک بار پیش از آتئوری داشت، در آخرین ثانیه‌های مسابقه، همه چیز را به گونه‌ای دراماتیکی از دست‌فدید با جام‌وداعی تلخ داشت. در این میان گاس هیدینک که این بار در هدایت تیمش به مراحل بالاتر جام ناکام بود، تصمیم سختگیرانه مدینا کاتالخو را مورد نگوشت قرار داده، و آن را فراتر از یک تصمیم عادی می‌داند. سرمربی هلندی استرالیا که تصمیمش در نیمکت این کشور پایانی تلخ داشت، در خصوص تصمیم داور و شرایط مسابقه می‌گوید: «آن تصمیم داور، بی‌نهایت مشکوک و ستوال‌برانگیز بود. نمی‌دانم که آیا حرکت لوکاس نیل، خطا بود یا خیر. در مجموع، بی‌اندازه ناراحت و مایوس هستم. ما می‌توانستیم از برتری نغری‌مان در وقت‌های اضافه بهره ببریم. مسابقه بی‌نهایت حساس و نزدیک بود. آنچه که سبب حسرت من شده، این است که بازیکنان ما در محوطه جریمه ایتالیا خطرناک نبودند. آنها نتوانستند موقعیت‌های ایده‌آل و مناسبی برای بهره بردن از آنها ایجاد کنند. «سرمربی جدید تیم ملی روسیه ادامه می‌دهد: «باید صادقانه بگویم که به این تیم می‌بالم. از این که در این مدت هدایتگر استرالیا در جام جهانی بوده‌ام بسیار خرسند و راضی‌ام. نه به‌خاطر عملکرد این تیم در این بازی بلکه به دلیل موفقیت و نمایش چشمگیر آنها در سه بازی گذشته‌شان آنها نشان دادند که با کمی کسب تجربه در جام‌های جهانی این توانایی را دارند تا خود را به عنوان یکی از تیم‌های قابل احترام و اعتبار جام تثبیت کنند. بدبختانه در این مسابقه، مهاجمان ما و کلا تمام بازیکنانی که برای باز کردن دروازه بوفون تلاش می‌کردن نتوانستند از چنین شانس طلایی برای محقق ساختن آرزوهایشان بهره ببرند. »